سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در گفت‌وگوی اختصاصی با «ایران» مطرح کرد

جزئیات ناگفته از عهدشکنی آمریکا

گفت و گو

مریم سالاری /گروه دیپلماسی- اوج‌گیری تنش نظامی در منطقه، آن هم در شرایطی که قرار بود تفاهم مشترک از تبدیل اختلافات به بحران جلوگیری کند، بار دیگر این پرسش اساسی را در کانون توجه قرار داده است که چگونه نقض تعهدات واشنگتن درباره تنگه هرمز، سازوکارهای پیش‌بینی‌شده برای مهار بحران را از کار انداخت.

در حاشیه نشست وزیران خارجه سازمان همکاری شانگهای در قرقیزستان، این فرصت فراهم شد تا در گفت‌وگویی تفصیلی با سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه روایت دست اول از پشت‌پرده آغاز این رویارویی، جزئیات حادثه‌ای که جرقه بحران را زد، چرایی ناکامی تفاهم در مهار تنش و نیز روند تحولات پس از آن را از زبان عالی‌ترین مقام دیپلماسی کشور جویا شویم.

یکی از مهم‌ترین انتقادهایی که پس از انتشار تفاهمنامه ایران و آمریکا مطرح شد، به‌بند پنجم آن، یعنی موضوع تنگه هرمز بازمی‌گردد. منتقدان، هم در فضای سیاسی و رسانه‌ای داخل کشور و هم در محافل بین‌المللی، معتقد هستند که متن این بند با ابهام تنظیم شده و همین ابهام، زمینه را برای برداشت‌ها و تفسیرهای متفاوت از سوی هردو طرف فراهم کرده است. حتی برخی کارشناسان حقوق بین‌الملل و دیپلماسی در گفت‌وگوهایی که با آنها داشتیم، این پرسش را مطرح می‌کردند که چرا در موضوعی به این میزان حساس و راهبردی، از ابتدا موضعی شفاف، صریح و غیرقابل تفسیر اتخاذ نشد تا چند روز بعد شاهد اختلاف برداشت، تشدید تنش‌های سیاسی و حتی افزایش احتمال رویارویی نظامی نباشیم. با توجه به این انتقادات، پاسخ شما چیست؟

از نظر ما این بند هیچ ابهامی ندارد و همه‌چیز در آن به‌روشنی بیان شده است. در این بند آمده که ایران ترتیباتی اتخاذ می‌کند تا تنگه هرمز ظرف یک ماه بازگشایی شود. علت در نظر گرفتن این بازه زمانی یک‌ماهه نیز این است که عملیات مین‌زدایی و اقدامات مشابه باید انجام شود. همچنین در ادامه تأکید شده که خدمات به مدت ۶۰ روز به‌صورت رایگان ارائه خواهد شد. پس از آن نیز ایران و عمان درباره نحوه اداره آینده تنگه هرمز و خدماتی که قرار است ارائه شود، با یکدیگر گفت‌وگو خواهند کرد. بنابراین، این بند از نظر ما هیچ ابهامی ندارد و کاملاً روشن است.

اگر موضوع تا این اندازه شفاف بوده، چه عاملی باعث شد این مشکلات شکل بگیرد؟ آیا از ابتدا پیش‌بینی نمی‌شد که موضوع تعیین کریدور شمال مطرح شود و عمان برای پیشبرد این روند وارد عمل شود؟

ببینید، وقتی در بند ۵ گفته می‌شود «ایران ترتیباتی اتخاذ می‌کند»، یعنی این ایران است که مسیر و سازوکار لازم را تعیین می‌کند؛ به عبارت دیگر، کریدور را مشخص می‌کند تا ظرف یک ماه، میزان تردد به سطح پیش از جنگ بازگردد. بنابراین متن کاملاً روشن است. اینکه آمریکایی‌ها مسیر جداگانه‌ای را باز کردند، با مفاد این بند همخوانی ندارد. آنها می‌توانستند با ایران مشورت کنند تا اگر قرار بود کریدوری اضافه یا حذف شود، این تصمیم در چارچوب مشورت با ایران و مطابق ماده ۵ اتخاذ شود. بر اساس این بند، این ایران است که ترتیبات لازم را تعیین می‌کند و تضمین می‌دهد که پس از یک ماه، تردد به وضعیت پیش از جنگ بازگردد، اگر یک ماه سپری می‌شد و تردد به سطح قبل از جنگ بازنمی‌گشت، آن زمان انتقادها می‌توانست وارد باشد. اما استدلال ما دقیقاً این بود که هنوز فقط دو هفته از آغاز اجرای توافق گذشته بود و دو هفته دیگر تا پایان مهلت باقی مانده بود. در چنین شرایطی، چرا باید مسیرهای جدید باز می‌شد؟ چرا کشتی‌ها تشویق می‌شدند از مسیرهایی غیر از مسیری که ایران تعیین کرده بود عبور کنند؟ مسیری که ایران مشخص کرده بود نیز بر مبنای ملاحظات امنیتی و ایمنی تعیین شده بود، زیرا منطقه مین‌گذاری شده بود و عملیات مین‌زدایی باید انجام می‌شد. اتفاقاً در بند ۵ نیز تصریح شده که مسئولیت مین‌زدایی بر عهده ایران است. بنابراین، واقعاً نمی‌توان هیچ نقطه ابهامی در بند ۵ پیدا کرد.

پیش از آنکه این تنش‌ها ابعاد گسترده‌تری پیدا کند و با وجود اینکه پیش‌تر هم شلیک‌هایی میان طرفین صورت گرفته بود، چرا کانال‌های مشورت و رایزنی زودتر فعال نشد؟

اتفاقاً این اقدام، یعنی استفاده از مسیر جنوبی، حدود ۱۰ روز پس از بازگشایی تنگه آغاز شد. از نظر ما این اقدام واقعاً مغرضانه بود. آنها می‌توانستند اجازه دهند مفاد بند ۵ روند طبیعی خود را طی کند و سپس در پایان مهلت تعیین‌شده، ارزیابی کنند که آیا شرایط به‌صورت منظم و مطابق توافق پیش رفته است یا خیر. اتفاقاً پس از آنکه به‌دنبال همین مداخلات، دو یا سه مورد درگیری رخ داد، در نشستی که در سوئیس برگزار شد، تصمیم گرفته شد یک خط تماس مستقیم برقرار شود که از آن با عنوان «Communication Line» یاد می‌کردند. هدف از ایجاد این خط تماس، جلوگیری از بروز همین سوءتفاهم‌ها بود؛ یعنی اگر واقعاً مسأله، سوءتفاهم بود، می‌شد از طریق این کانال ارتباطی آن را برطرف کرد. اما آنچه برای ما روشن شد، این بود که موضوع فراتر از یک سوءتفاهم است. به نظر می‌رسید آنها اصرار داشتند که در کنار مسیری که ایران برای تأمین عبور و مرور ایمن و آزاد تعیین کرده بود، مسیرهای دیگری نیز ایجاد کنند. آمریکایی‌ها کشتی‌ها را از مسیر تعیین‌شده از سوی ایران دور می‌کردند و در عمل آنها را به استفاده از مسیر دیگری هدایت می‌کردند.

به نظر شما چه اهدافی در پشت این اقدام دنبال می‌شد و چه ملاحظاتی باعث شد چنین مسیری انتخاب شود؟

ما هیچ حسن نیتی در رفتار آمریکا ندیدیم. باز کردن یک مسیر جدید و اصرار بر اینکه کشتی‌ها از آن مسیر استفاده کنند، برای ما قابل تأمل بود. حتی مستنداتی از تماس‌های دریایی وجود دارد که با کشتی‌هایی که قصد داشتند از مسیر تعیین‌شده توسط ایران عبور کنند، برقرار می‌شد و آنها را ترغیب می‌کردند که از مسیر جنوبی استفاده کنند. این در حالی بود که خودشان نیز می‌دانستند مسیری که ایجاد کرده بودند، هم کندتر بود و هم نسبت به مسیری که ایران تعیین کرده بود، مخاطرات بیشتری داشت. به همین دلیل، واقعاً نسبت به نیت آنها دچار تردید شدیم. ما چندین بار از طریق همان کانال ارتباطی یا «خط تماس» به آنها اخطار دادیم و توضیح دادیم. خود من نیز بارها، چه به‌صورت مستقیم و چه از طریق واسطه‌های قطری و پاکستانی با آنها گفت‌وگو کردم و تأکید کردم که اگر هرگونه نگرانی یا مشکلی وجود دارد، کافی است ۱۵ روز دیگر صبر کنند و ببینند آیا ایران به‌طور کامل به تعهدات خود عمل می‌کند یا خیر.

با این حال، ما در رفتار آمریکا هیچ نشانه‌ای از حسن نیت مشاهده نکردیم. به نظر می‌رسید بنای آنها بر این بود که شرایط را به سمت تنش سوق دهند، یا شاید تصور می‌کردند می‌توانند حاکمیت و مدیریت ایران بر تنگه هرمز را کمرنگ کنند. به هر نیتی که عمل می‌کردند، در نهایت این آنها بودند که توافق را نقض کردند و روند تحولات را به مسیری کشاندند که امروز شاهد آن هستیم.

پس از جنگ ۴۰ روزه، به نظر می‌رسد کشورهایی مانند امارات، قطر و عربستان رایزنی‌های دوجانبه و مستقلی را با ایران در پیش گرفته‌اند. از نگاه شما به‌عنوان وزیر امور خارجه، فضای روابط ایران با کشورهای عربی امروز چه تفاوتی با دوران جنگ ۴۰ روزه دارد؟

تردیدی نیست که اکنون تنش‌هایی در روابط وجود دارد و این موضوع نیز با توجه به درگیری‌های رخ‌داده کاملاً طبیعی و روشن است.

ما در جریان جنگ ۴۰ روزه، پایگاه‌های آمریکایی در منطقه و حتی فراتر از آن، همچنین تأسیسات نظامی آمریکا و محل تجمع نیروهای آمریکایی را که از پایگاه‌های خود به نقاط دیگر منتقل شده بودند، هدف قرار دادیم و معتقدیم این اقدام کاملاً در چارچوب حق دفاع مشروع انجام شد. ما در حال دفاع از خود بودیم و در برابر تجاوز، ناچار به دفاع از خود بودیم. اکنون نیز شرایط دقیقاً به همین شکل است. ما به‌طور مستمر با کشورهای منطقه در تماس هستیم و برای آنها توضیح می‌دهیم که هیچ خصومتی با این کشورها نداریم. البته از این موضوع گلایه‌مند هستیم که در طول جنگ ۴۰ روزه و حتی پس از آن، امکانات برخی از این کشورها یا در اختیار آمریکا قرار گرفت یا آمریکا از آنها علیه ایران سوءاستفاده کرد.

با این حال، به نظر من در سطح منطقه یک درک مشترک وجود دارد مبنی بر اینکه اقداماتی که ایران انجام می‌دهد، از سر خصومت با کشورهای منطقه نیست، بلکه دلایل دیگری دارد که همه طرف‌ها نسبت به آن آگاهی و درک دارند.

البته دولت‌ها از این وضعیت راضی نیستند؛ بلکه برخی از آنها حتی عصبانی هستند. اما به نظر من، پس از اینکه این تنش‌ها فروکش کند، ان‌شاءالله باید وارد یک دوره اعتمادسازی با این کشورها شویم. من در آنها این اراده را می‌بینم که بخواهند این اعتماد را دوباره ایجاد کنند. به هر حال، ما همسایه هستیم و همسایه باقی خواهیم ماند. باید بتوانیم در کنار یکدیگر و در شرایطی آرام زندگی کنیم. قرار نیست دو کشور و کشورهای منطقه تا ابد در وضعیت تنش و اختلاف باقی بمانند. آنها نیز خواهان ثبات و پیشرفت اقتصادی هستند و ما هم خواهان منطقه‌ای باثبات هستیم. اتفاقاً اکنون یک درک جمعی در منطقه شکل گرفته است که امنیت و ثبات، حتماً باید به‌صورت جمعی تأمین شود. کشورها نمی‌توانند، بویژه با اتکا به قدرت‌های خارجی، برای خود امنیت خریداری کنند؛ در حالی که همسایگانشان با بی‌ثباتی یا مشکلات اقتصادی مواجه باشند. اتفاقاً اقتصاد یکی از پایه‌های مهم امنیت است و بدون پیشرفت و شکوفایی اقتصادی نمی‌توان انتظار امنیت پایدار داشت. این واقعیت‌ها امروز بیش از گذشته برای منطقه روشن شده است.

تماس‌هایی که ما با کشورهای منطقه و حتی فراتر از منطقه داریم، نشان می‌دهد که نوعی آمادگی جدید برای گفت‌وگو با ایران و حل‌وفصل مسائل از طریق تعامل شکل گرفته است. البته این به معنای آن نیست که آنها هیچ گلایه‌ای از ما ندارند یا ما از آنها گلایه‌ای نداریم. طبیعی است که میان طرفین، هم گلایه‌ها و هم انتقادهایی نسبت به یکدیگر وجود دارد. ما در خصوص گلایه‌ها و شکایت‌هایی که از آنها داریم، محق هستیم؛ چرا که ما مورد تجاوز قرار گرفتیم. از خاک آنها یا فضای آنها، دست‌کم می‌توان گفت بدون اجازه آنها علیه ما استفاده شد. اینکه این اقدام بدون اطلاع و اجازه آنها بوده یا خیر، بویژه درباره برخی از این کشورها، محل تردید است؛ اما در نهایت این واقعیت وجود دارد که از ظرفیت‌ها و امکانات آنها علیه ما استفاده شده است. بنابراین، ما در این زمینه خود را محق می‌دانیم. با این حال، هم ما و هم آنها این واقعیت را پذیرفته‌ایم که باید در کنار یکدیگر زندگی کنیم. این منطقه، منطقه مشترک ماست؛ امنیت آن متعلق به همه ماست، ثبات آن متعلق به همه ماست و پیشرفت آن نیز باید نصیب همه کشورهای منطقه شود.

ما در رفتار آمریکا هیچ نشانه‌ای از حسن نیت مشاهده نکردیم. به نظر می‌رسید بنای آنها بر این بود که شرایط را به سمت تنش سوق دهند، یا شاید تصور می‌کردند می‌توانند حاکمیت و مدیریت ایران بر تنگه هرمز را کمرنگ کنند. به هر نیتی که عمل می‌کردند، در نهایت این، آنها بودند که توافق را نقض کردند و روند تحولات را به مسیری کشاندند که امروز شاهد آن هستیم

این نگاه در ادامه همان ایده‌ای است که ایران در سال‌های اخیر به تعدد درباره ایجاد یک مکانیسم مشترک همکاری در منطقه مطرح کرده است؟

بله، در این مدت، منطق «منطقه قوی» دوباره مطرح و دنبال شده است. ما نیز بارها تأکید کرده‌ایم که معتقدیم کل منطقه باید به یک منطقه قدرتمند تبدیل شود؛ منطقه‌ای که بتواند مسائل و مشکلات خود را بدون نیاز به نیروهای خارجی که خود عامل اخلال در امنیت هستند، حل‌وفصل کند. ما این موضوع را پیش‌تر نیز مطرح کرده بودیم، اما اکنون برای برخی از کشورهای منطقه روشن‌تر شده است که حضور پایگاه‌های آمریکایی نه‌تنها امنیت و ثبات بیشتری برای آنها به همراه نیاورده، بلکه در مواردی به عاملی ضد امنیت تبدیل شده است. کشورهایی که پایگاه‌های آمریکایی در اختیار نداشتند، در جریان این جنگ آسیب کمتری دیدند و شرایط باثبات‌تری را تجربه کردند.

اکنون موضوع باب‌المندب نیز مطرح شده است اخباری وجود دارد مبنی بر اینکه پاکستان نسبت به برخی تحولات در باب‌المندب نگرانی‌هایی دارد. از سوی دیگر، نقش عربستان و نزدیک‌تر شدن روابط میان پاکستان و عربستان نیز مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به این شرایط، ارزیابی شما از تحولات مرتبط با باب‌المندب چیست؟

باب‌المندب در حقیقت تا حدودی برای ما موضوعی فرامنطقه‌ای محسوب می‌شود و مشکلاتی که در این حوزه وجود دارد، ریشه در اختلافات و مسائل قدیمی میان یمن، عربستان و کشورهای منطقه دارد. به اعتقاد ما، این مسأله باید در همان چارچوب منطقه‌ای و از طریق گفت‌وگو حل‌وفصل شود. ما معتقدیم که برای موضوع یمن، باب‌المندب و دیگر مسائل منطقه، راه‌حل نظامی وجود ندارد. این مسائل باید از مسیر گفت‌وگو پیش برود؛ چه گفت‌وگو میان عربستان و یمن، چه گفت‌وگوهای داخلی در یمن و چه تعامل میان یمن و دیگر کشورهای منطقه .

نسبت این تحولات با تنش‌های مربوط به تنگه هرمز چیست؟

یمن در شرایط محاصره قرار دارد و اقدامی که یمنی‌ها انجام می‌دهند، به گفته خودشان، در راستای شکستن این محاصره است؛ محاصره‌ای که آنها از آن به‌عنوان محاصره اعمال‌شده از سوی عربستان یاد می‌کنند. بنابراین، ریشه مشکلات یمن را نمی‌توان ناشی از ایران دانست. مسأله یمن، واقعاً یک بحران قدیمی است؛ شاید بحرانی با قدمت هزار سال که در طول این مدت نیز با جنگ‌های مختلف حل‌وفصل نشده است. در سال‌های اخیر نیز یک دوره جنگ گسترده در یمن شکل گرفت که نه‌تنها به حل مسأله منجر نشد، بلکه شرایط را پیچیده‌تر کرد. توصیه ما همواره این بوده که مسأله یمن از طریق گفت‌وگو حل شود. ما معتقدیم کشورهایی مانند ایران و دیگر کشورهای منطقه می‌توانند در این مسیر کمک‌کننده باشند. ما آمادگی خود را برای ایفای نقش سازنده اعلام کرده‌ایم و دوستان ما در عربستان نیز از این آمادگی مطلع هستند. به نظر من، اگر گفت‌وگوهایی میان یمن و عربستان شکل بگیرد، ایران نیز می‌تواند در این روند نقش مثبت و سازنده‌ای ایفا کند. با این حال، امیدواریم این روند باعث پیچیده‌تر شدن شرایط در یمن نشود. در فارسی مثلی داریم که «گرهی را که با دست می‌شود باز کرد، با دندان باز نمی‌کنند». ما معتقدیم گره یمن با دست، یعنی از طریق دیپلماسی و گفت‌وگو، قابل باز شدن است و نیازی به تنش و برخوردهای نظامی وجود ندارد.

هیأت دیپلماتیک کشورمان روز گذشته در نشست وزرای خارجه شانگهای به میزبانی قرقیزستان حضور یافت

حمایت محور شرق از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران

گزارش

سایه سنگین جنگ، بر سر تازه‌ترین نشست وزرای خارجه سازمان همکاری شانگهای در شهر ساحلی «چولپون‌آتا» قرقیزستان سایه انداخت؛ این نشست در حالی برگزار شد که تنها ساعاتی از یکی از شدیدترین حملات نظامی آمریکا علیه شهرهای ایران گذشته بود و فضای گفت‌وگوهای شانگهای را تحت تأثیر مستقیم خود قرار داد. وزرای خارجه ایران، چین، روسیه، هند، پاکستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان در شرایطی گرد هم آمدند که تنش در خاورمیانه آزمونی جدی برای اعتبار یکی از مهم‌ترین سازوکارهای امنیتی شرق به شمار می‌رود و می‌تواند میزان پایبندی اعضا به فلسفه شکل‌گیری شانگهای یعنی تقویت امنیت جمعی، مقابله با یکجانبه‌گرایی و ایجاد توازن در نظم جهانی را در میدان عمل محک بزند. چنانکه در بیانیه پایانی این نشست، کشورهای عضو با مخالفت با رویکردهای قهرآمیز و اقدامات یکجانبه، بر ضرورت اصلاح نظام حکمرانی اقتصاد جهانی و تقویت نظام تجارت چندجانبه تأکید کردند. همچنین اعضای سازمان همکاری شانگهای با ابراز همدردی، مراتب تسلیت صمیمانه خود را به دولت و ملت ایران به مناسبت فقدان رهبر شهید جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند .

راهروهای اجلاس صحنه رایزنی‌های پیدا و پنهان

در چنین فضایی نشست روز گذشته وزیران امور خارجه سازمان همکاری شانگهای در قرقیزستان بیش از آنکه با دستورکارهای از پیش تعیین‌شده شناخته شود، زیر سایه تنش‌هایی قرار گرفت که هزاران کیلومتر دورتر از محل اجلاس آغاز شده بود اما آثار آن در تک تک رایزنی‌ها دیده می‌شد. از همان ساعات اول، راهروهای محل برگزاری اجلاس به صحنه گفت‌وگوهای فشرده‌ای تبدیل شد که محور مشترک آنها جنگ، امنیت منطقه و آینده موازنه قدرت بود. بسیاری از دیدارهایی که در برنامه رسمی اجلاس تنها چند دقیقه زمان داشت، به دلیل حساسیت شرایط به گفت‌وگوهایی طولانی‌تر تبدیل شد و جنگ ایران و آمریکا به مهم‌ترین موضوع گفت‌وگوهای دوجانبه و چندجانبه تبدیل شد. مواضع وزیران امور خارجه روسیه، پاکستان و تاجیکستان نشان می‌داد که نگرانی از پیامدهای اقدام نظامی آمریکا به یکی از معدود موضوعاتی تبدیل شده که میان اعضای شانگهای همگرایی قابل توجهی ایجاد کرده است. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه با انتقاد از سیاست‌های واشنگتن تأکید کرد آمریکا با خلق «تنش‌های تصنعی» تلاش می‌کند خود را در جایگاه بازیگری معرفی کند که برای مهار بحرانی وارد میدان شده است که خود عامل شکل‌گیری آن بوده است. در سوی دیگر، پاکستان نیز با تأکید بر ضرورت پایبندی طرف‌ها به تفاهم‌های موجود، هشدار داد که نقض تعهدات، مسیر دیپلماسی را دشوارتر و احتمال گسترش درگیری را بیشتر خواهد کرد. همین مواضع سبب شد مسأله جنگ، به نقطه تمرکز اصلی رایزنی‌های ایران با چین، روسیه و پاکستان تبدیل شود که بخش مهمی از آنها دور از تریبون‌های رسمی و در حاشیه اجلاس انجام شد.

درخواست تهران برای نقش فعال‌تر اعضا

دیپلماسی ایران در نشست روز گذشته سازمان همکاری شانگهای بر پیگیری محکومیت نقض یادداشت تفاهم و جلب حمایت اعضا از مواضع تهران متمرکز بود. این رویکرد در رایزنی‌های دوجانبه عراقچی با وزیران امور خارجه روسیه، چین و پاکستان به‌طور ویژه دنبال شد. نتیجه این تلاش‌های دیپلماتیک، تکرار حمایت اعضای سازمان همکاری شانگهای از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران و محکومیت حملات علیه کشور بود. در نتیجه این رایزنی‌ها بود که اعضای این سازمان برای دومین بار با تأکید بر مواضع پیشین خود، بر ضرورت احترام به حقوق بین‌الملل و مخالفت با هرگونه اقدام ناقض حاکمیت ایران تأکید کردند؛ موضعی که نشان‌دهنده همسویی نسبی اعضای شانگهای با نگرانی‌های امنیتی و سیاسی تهران است. در همین راستا عراقچی در نشست شورای وزیران امور خارجه با تأکید بر نقش این سازمان در تقویت چندجانبه‌گرایی، مقابله با یکجانبه‌گرایی و دفاع از حاکمیت کشورها، خواستار ایفای نقش فعال‌تر آن در نظم بین‌الملل شد. وی با اشاره به حملات آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران، این اقدامات را نقض آشکار حقوق بین‌الملل دانست و گفت پاسخ به مسیر دیپلماسی با حمله نظامی، اعتماد به سازوکارهای مسالمت‌آمیز را تضعیف می‌کند. عراقچی با تأکید بر حق دفاع مشروع ایران، ادامه حملات به لبنان و غزه را محکوم و بر توقف فوری حملات، رفع محاصره غزه و حمایت از حقوق ملت فلسطین تأکید کرد.

اعضای سازمان همکاری شانگهای برای دومین بار با تأکید بر مواضع پیشین خود، بر ضرورت احترام به حقوق بین‌الملل و مخالفت با هرگونه اقدام ناقض حاکمیت ایران تأکید کردند؛ موضعی که نشان‌دهنده همسویی نسبی اعضای شانگهای با نگرانی‌های امنیتی و سیاسی تهران است

ملاقات‌های دوجانبه

در میان دیدارهای دوجانبه، ملاقات عراقچی و سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه بیش از سایر دیدارها مورد توجه قرار گرفت. در این دیدار، علاوه بر بررسی روابط دوجانبه، آخرین تحولات جنگ و راه‌های جلوگیری از گسترش دامنه تنش‌ها نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. وانگ یی، وزیر امور خارجه چین و محمد اسحاق دار، وزیر امور خارجه پاکستان نیز در دیدار دوجانبه با عراقچی بخش مهمی از مذاکرات خود را به تنش‌های جاری در خاورمیانه اختصاص دادند. وزیر امور خارجه ایران همچنین به‌صورت جداگانه با بختیار سعیدوف، وزیر امور خارجه ازبکستان و در نهایت با وزیر امور خارجه قرقیزستان دیدار و درباره روابط دوجانبه و مسائل منطقه‌ای رایزنی کرد.

امضای ۲۵ سند همکاری

با وجود آنکه فضای نشست تحت تأثیر تحولات امنیتی قرار داشت، اجلاس روند رسمی خود را نیز دنبال کرد و در پایان، وزیران امور خارجه سازمان همکاری شانگهای ۲۵ سند را در قالب ۹ تصمیم به امضا رساندند؛ اسنادی که طیفی از همکاری‌های امنیتی، اقتصادی، حمل‌ونقل، مالی و هماهنگی‌های منطقه‌ای را در بر می‌گیرد و نشان می‌دهد اعضای این سازمان همچنان بر تقویت سازوکارهای همکاری درون‌منطقه‌ای تأکید دارند. اهمیت امضای این اسناد همکاری را باید در جایگاه و وزن ژئوپولتیک این کشورها جست‌وجو کرد. چین به عنوان دومین اقتصاد جهان، روسیه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی و انرژی، هند با ظرفیت عظیم اقتصادی و جمعیتی، پاکستان به عنوان بازیگر کلیدی جنوب آسیا، قزاقستان با منابع گسترده نفت و گاز، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان به عنوان حلقه‌های اصلی اتصال کریدورهای شرق و غرب و بلاروس در امتداد جغرافیای اروپای شرقی، مجموعه‌ای را شکل داده‌اند که در کنار ایران، نزدیک به نیمی از جمعیت جهان بخش بزرگی از منابع انرژی، معادن و مسیرهای راهبردی را در اختیار دارد.

ناظر به چنین ظرفیتی است که این کشورها در سال‌های اخیر، همزمان با افزایش فشارهای غرب، تلاش کرده‌اند سازوکارهای مستقلی برای تجارت، حمل‌ونقل، تأمین مالی و همکاری‌های راهبردی ایجاد کنند.

برای ایران هم که همزمان با فشارهای نظامی و محدودیت‌های ناشی از تحریم و محاصره دریایی آمریکا تلاش می‌کند مسیرهای جدید همکاری اقتصادی و ترانزیتی ایجاد کند، شانگهای به بخشی از راهبرد امنیت ملی و سیاست خارجی کشور تبدیل شده است.

از همین منظر، مباحثی مانند توسعه کریدورهای مستقل، گسترش تجارت با ارزهای ملی، ایجاد شبکه‌های مالی جایگزین، کاهش وابستگی به دلار و تقویت پیوندهای ترانزیتی، در شرایط کنونی ابزارهایی برای کاهش اثر فشارهای آمریکا و بازتعریف موازنه قدرت در آسیای در حال ظهور به شمار می‌روند. شاید به همین دلیل بود که در نشست قرقیزستان، حتی زمانی که اسناد همکاری یکی پس از دیگری امضا می‌شد، سایه جنگ همچنان بر میز شانگهای سنگینی می‌کرد؛ گویی اعضای این سازمان به خوبی می‌دانستند که سرنوشت نظم جدید آسیا، بیش از هر زمان دیگری با سرنوشت تنش‌ها در خاورمیانه گره خورده است.

«شانگهای» در کنار ایران

یادداشت

مهرداد کیایی
مدیرکل امور سازمان همکاری شانگهای وزارت خارجه

نشست وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در شرایطی برگزار شد که تحولات اخیر در غرب آسیا و حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه در رایزنی‌های این نشست بود. در تمامی نشست‌هایی که پس از این حملات برگزار شده است، شاهد آن بودیم که مقامات کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در سخنرانی‌های خود، به‌طور قاطع این حملات را محکوم کردند. همچنین در دیدارهای دوجانبه میان مقامات کشورهای عضو، بار دیگر بر همبستگی با مردم ایران تأکید شد و این اقدامات مورد انتقاد و محکومیت قرار گرفت.

در بیانیه پایانی نشست وزرای خارجه شانگهای نیز که روز گذشته منتشر شد، با اشاره به بیانیه سال گذشته سران این سازمان که در چین به امضا رسید، بار دیگر این حملات محکوم شده و به‌عنوان نقض قوانین و مقررات بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است. سازمان همکاری شانگهای به دلیل آنکه یکی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری آن بر مبنای همکاری‌های امنیتی میان اعضا استوار بوده، همواره نگاه ویژه‌ای به موضوع امنیت منطقه‌ای، ثبات سیاسی و جلوگیری از ایجاد بحران‌های جدید در محیط پیرامونی خود داشته است.

این سازمان از ابتدای شکل‌گیری تلاش کرده است رویکردی مبتنی بر همکاری جمعی را در حوزه امنیت دنبال کند؛ رویکردی که بر اساس آن، امنیت یک کشور نمی‌تواند جدا از امنیت دیگر کشورها تعریف شود. در همین چارچوب، تحولات اخیر در غرب آسیا و افزایش تنش‌ها در منطقه نیز مورد توجه اعضای شانگهای قرار گرفته است. موضع‌گیری‌های مطرح‌شده در این نشست نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از اعضا، ثبات منطقه‌ای را وابسته به رعایت اصول حقوق بین‌الملل، احترام به حاکمیت کشورها و پرهیز از اقداماتی می‌دانند که می‌تواند دامنه بحران‌ها را گسترش دهد. تأکید بر اینکه امنیت یک کشور نباید به قیمت تضعیف امنیت دیگر کشورها تأمین شود، یکی از محورهای مهم این نگاه مشترک است. موضوع دیگری که در بیانیه پایانی نشست مورد توجه قرار گرفته، مسأله تحریم‌های یک‌جانبه و استفاده از فشارهای اقتصادی به‌عنوان ابزار سیاسی علیه کشورهاست.

شانگهای با اشاره به پیامدهای چنین اقداماتی، استفاده از تحریم‌های یک‌جانبه و خارج از چارچوب‌های مورد پذیرش بین‌المللی را مورد انتقاد و تقبیح قرار داده است. از نگاه این سازمان، امنیت پایدار تنها از مسیر اقدامات نظامی یا فشارهای سیاسی حاصل نمی‌شود، بلکه توسعه اقتصادی، همکاری‌های منطقه‌ای و ایجاد بسترهای مشترک برای رشد و پیشرفت کشورها نیز از ارکان مهم ثبات به شمار می‌رود. به همین دلیل، مخالفت با فشارهای اقتصادی و تحریم‌های یک‌جانبه، بخشی از رویکرد کلی شانگهای برای تقویت همکاری‌های چندجانبه و کاهش زمینه‌های ایجاد بحران در روابط میان کشورها محسوب می‌شود.

در مجموع، برگزاری این نشست در شرایط کنونی، بر اهمیت تحولات امنیتی منطقه و تأثیر مستقیم آن بر مناسبات میان کشورهای عضو، ضرورت حفظ امنیت منطقه‌ای و مخالفت با اقداماتی که می‌تواند ثبات کشورها و مناطق مختلف را تحت تأثیر قرار دهد، تأکید دارد.